

واقعه جانگداز کربلا

واقعه جانگداز کربلا (دهم محرم) در سال 61 هجری قمری ...



واقعه جانگداز کربلا (دهم محرم) در سال 61 هجری قمری

این روز، پُر آوازه ترین روز سال و خاطره آمیزترین روز تاریخ بشری است. در این روز بزرگ، پای مردی، فداکاری و سربلندی گروه اندکی از انسان های به خدا پیوسته در برابر خیل عظیم و کثیر دشمنان و جنایت پیشه گان به نمایش درآمد. این روز، روز فداکاری امام حسین(ع) و یاران باوفای وی می باشد و تا ابد به آنان تعلق خواهد داشت. در این روز، حوادث و رویدادهای مهمی در سرزمین کربلا به وقوع پیوست که برای همیشه در تاریخ انسان ها ثبت و درج خواهد ماند.

در این جا به طور گذرا به اهم رویدادهای عاشورای سال 61 قمری اشاره می کنیم:
1- تنظیم صفوف سپاه.

امام حسین(ع) پس از نماز صبح عاشورا، سپاه کم تعداد خود را که متشکل از 32 تن سواره و 40 تن پیاده بودند، به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول را در بخش میمنه به فرماندهی زهیر بن قین، دسته دوم را در بخش میسره به فرماندهی حبیب بن مظاهر و دسته سوم را در قلب سپاه به فرماندهی خود آن حضرت تقسیم بندی کرد. هم چنین آن حضرت، بیرق سپاه را به برادرش حضرت عباس بن علی(ع) واگذار و نیروهای خود را در جلو و خیمه گاه را در پشت سر آنان قرار داد.

عمر بن سعد نیز فرماندهی میمنه سپاه خود را به عمرو بن حجاج، فرماندهی میسره را به شمر بن ذی الجوشن، فرماندهی سواره نظام را به عرو بن قیس و فرماندهی پیاده نظام را به شبت بن ربیع واگذاشت و بیرق سپاه را به دست غلامش "درید" سپرد.
2- موعظه های امام حسین(ع).

امام حسین(ع) پیش از آغاز نبرد، بارها برای اندرز سپاه کفر پیشه دشمن، پیش قدم شد و با بیان خطبه هایی روشن گر، آنان را به حفظ آرامش و عدم خون ریزی دعوت کرد و از جنگ و مبارزه بازداشت. آن حضرت، علاوه بر خود، برخی از یاران خویش را نیز در این روز به نزد سپاهیان عمر بن سعد فرستاد و از طریق آنان، این سپاه گمراه را به هدایت و حقانیت دعوت کرد.
3- ندامت حرّ بن یزید.

حرّ بن یزید که از فرماندهان سپاه عمر بن سعد و از دلاوران و دلیر مردان عرب بود، روز عاشورا پیش از آغاز درگیری رسمی، پشیمان شد و به سپاه امام حسین(ع) پیوست. با این که وی نخستین کسی بود که راه را بر امام حسین(ع) بسته و با اجبار و اکراه، آن حضرت را به سوی سرزمین کربلا گسیل داشت، با این حال، مورد پذیرش اباعبدالله الحسین(ع) قرار گرفت و آن حضرت، توبه اش را پذیرفت و او را در جمع یارانش قرار داد.

پیوستن حرّ بن یزید و تعدادی از سپاهیان عمر بن سعد به سپاهیان امام حسین(ع)، دودلی و سردرگمی بسیاری از کفر پیشه گان را به دنبال داشت و حالت عجیبی در میان سپاهیان عمر بن سعد به وجود آورد.
4- هجوم سراسری دشمن.

عمر بن سعد که تاب پیوستن افراد دیگری به سپاه امام حسین(ع) را نداشت، لشکریان خود را به جنبش درآورد و دستور حمله عمومی داد. در اندک مدتی دو سپاه به هم نزدیک شده و نبرد سختی آغاز گردید.

هر یک از یاران امام حسین(ع) با ده ها تن از سپاه دشمن به نبرد نابرابر و تن به تن پرداخت و هیچ سستی و تردیدی در وی ملاحظه نمی شد و این روحیه بالایی رزمی و اعتقادی قوی، برای دشمن سنگین و کمرشکن بود. در این نبرد، حدود پنجاه تن از یاران امام حسین(ع) و صدها تن از سپاه دشمن کشته شدند.

5- نبرد انفرادی.

دشمن که از نبرد سراسری و تهاجمی، نتیجه ای نگرفته بود، به تدریج به سوی نبرد انفرادی روی آورد.

زیرا اگرچه سپاه عمر بن سعد جملگی برای نبرد با امام حسین(ع) آمده بودند، ولی در میان آنان مردان زیادی بودند که جنگ با فرزندان رسول خدا(ص) را روا نداشته و به اکراه و اجبار در سپاه عمر بن سعد قرار گرفته بودند. بدین جهت در کار نبرد عمومی و هجوم سراسری تعلل می ورزیدند و عمر بن سعد را در رسیدن به مقاصد پلیدش ناکام گذشته بودند. در این مرحله نیز تعدادی از سپاهیان امام حسین(ع) کشته شدند.

6- نماز ظهر عاشورا.

ابوتمامه صیداوی در گرما گرم نبرد، به امام حسین(ع) نزدیک شد و به آن حضرت عرض کرد، که وقت زوال فرا رسیده است. امام حسین(ع) که به نماز اهمیت ویژه ای می داد، دستور داد جنگ را متوقف کرده و همگی به نماز پردازند.

دشمنان که به نماز اهمیت چندانی نمی دادند، آن حضرت و یارانش را در حال نماز نیز مورد هجوم ناجوانمردانه قرار داده و با پرتاب تیر آنان را نشانه می گرفتند.

عبدالله حنفي که خود را سپر امام حسين(ع) قرار داده بود، متحمل سیزده تیر دشمن شد و عاقبت در حال دفاع از وجود شریف امام حسين(ع) به لقاء الله پیوست.

7- شهادت سایر یاران امام حسين(ع).

پس از نماز ظهر عاشورا، باقیمانده یاران امام حسين(ع) نیز یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. شیر مردانی چون زهیر بن قین، نافع بن هلال، مسلم بن عوسجه، حبیب بن مظاهر، حرّ بن یزید، بریر بن خضیر و دلیر مردانی از بنی هاشم چون علی اکبر(ع)، عباس بن علی(ع)، قاسم بن حسن(ع)، عبدالله بن مسلم(ع) و افرادی دیگر در یاری مولا و سرورشان امام حسين(ع) جنگیدند و سرانجام به دست دشمنان اهل بیت(ع)، مظلومانه به شهادت رسیدند.

8- مبارزه و شهادت امام حسين(ع).

امام حسين(ع) پس از آن که همه یاران خود را از دست داد، بانوان عصمت پناه را در خیمه ای گرد آورد و آنان را تسلی و دلداری داد و به صبر و شکیبایی سفارش نمود و با قلبی شکسته از آنان خداحافظی کرد. آن حضرت، فرزندش امام زین العابدین(ع) را که در بیماری سختی به سر می برد، جانشین خویش قرار داد و با او نیز وداع کرد و آماده نبرد با دشمن گردید. امام حسين(ع) به تنهایی، ساعاتی با نیروهای گسترده دشمن مبارزه کرد و تعداد زیادی از آنان را کشته و زخمی نمود.

خود آن حضرت نیز زخم های فراوانی در میدان مبارزه متحمل شد و بر اثر آن ها، از زین اسبش "ذوالجناح" به زمین افتاد و مورد هجوم وحشیانه دشمن قرار گرفت.

سرانجام شمر بن ذی الجوشن، با قساوت و بی رحمی تمام به بدن خونین و کم رمق آن حضرت نزدیک شد و سر مبارکش را از قفا جدا کرد و بدین طریق، روح شریفش را به اعلی علیین به پرواز در آورد.